

که بر بخش‌های گسترده‌ای از جهان اسلام فرمان میراند، اصفهان در این دو دوره یعنی عصر آل بویه و عهد سلجوقیان رویدادهای پر نشیب و فراز و کام‌ها و ناکامی‌های بسیار بر خود دیده است.

در این مقاله که موضوع سخنرانی نویسنده در آذرماه ۱۳۷۳ در تالار علامه اقبال لاهوری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان بوده از رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی خطه اصفهان در دو دوره نامبرده به تفصیل سخن رفته است.

سفر علمی استاد دکتر سید محمد باقر حجتی

به ارمنستان

استاد حجتی در اسفند ۱۳۱۱ شمسی در بابل زاده شدند. تحصیلات رسمی را تا چهارم ابتدایی طی کردند، سپس در مدرسه صدر بابل به تحصیل دروس حوزوی پرداختند. پس از سپری کردن دوره مقدمات در آن شهر دروس حوزه را در مدرسه مروی تهران پی گرفتند و از محضر استادان بزرگ آن روزگار بهره‌مند شدند. در ۱۳۳۴ شمسی پس از اخذ «گواهی مدرسی» و توفیق در امتحان ورودی دانشکده الهیات تحصیلات رسمی دانشگاهی را در رشته معقول (حکمت و فلسفه اسلامی) آغاز کردند و در ۱۳۴۰ شمسی موفق به اخذ دکتری در این رشته شدند.

استاد توفیق سفرهای علمی و تحقیقی بسیاری یافته و آثار فراوانی به فارسی و عربی تألیف کرده‌اند. شمار کتابهای فارسی و عربی ایشان بالغ بر پنجاه عنوان می‌شود و مقالات فارسی و عربی ایشان - که برخی از آنها به انگلیسی و ترکی ترجمه گردیده - به بیش از صد عنوان می‌رسد. برخی از کتابها و مقالات استاد برنده جایزه شده و ایشان خود نیز به افتخار دریافت عناوین استاد ممتاز و استاد نمونه و ... و همچنین به احراز مناصب علمی پژوهشی متعددی نائل گردیده‌اند.

گزارش سفر: کتابخانه یا مرکز «ماتناداران»

نخستین کاری که بدان اهتمام ورزیدیم دیدار این کتابخانه و تهیه فهرست از نسخه‌های خطی اسلامی آن بوده که با همکاری صمیمانه سفارت ج.ا. ایران و در معیت آقای «گئورگی نعلبندیان» استاد دانشگاه دولتی ایروان، این کار آغاز شد. اولین روز که عازم دیدار این کتابخانه شدیم با بازدید رئیس جمهور لهستان از این کتابخانه مواجه گشتیم که همین امر موجب شد مقداری از فرصت آنروز را از دست نهم؛ چرا که ما را همزمان با حضور رئیس جمهور در کتابخانه مذکور، بدان راهی نبود.

پس از بیرون آمدن رئیس جمهور و همراهان، با وزیر خارجه ارمنستان آشنا شده و از دور به سوی ما آمده و با معرفی که آقای نعلبندان از ما به عمل آورد به ما خوش آمد گفته و ما را برای بدرقه رئیس جمهور لهستان ترک گفت.

به کتابخانه درآمدیم و میان ما و آقای پاپازیان، رئیس بخش خطی کتابخانه معارفه به عمل آمد و هدف خود را با ایشان در تدوین فهرست خطی اسلامی این کتابخانه در میان گذاشتیم و یادآور شدیم برای تسریع و تسهیل در امر تهیه فهرست، باید هر روز نسخه‌های زیادی در اختیار ما قرار گیرد، و این امر با توجه به فاصله دور و درازی که میان مخزن این نسخه‌ها و سالن مطالعه وجود دارد باید ما در جایگاهی نزدیک مخزن، به تهیه و تدوین فهرست مخطوطات - تا مدتی که در ایروان به سر می‌بریم - پردازیم. ایشان اظهار داشتند چنین چیزی امکان پذیر نیست، و فقط ما هر روز سه مجلد نسخه خطی در اختیار شما قرار می‌دهیم، و چون بعد از ظهرها خازن این بخش در کتابخانه حضور ندارد باید برای بازدید هر سه مجلد در روز، روز قبل، صورت نسخه‌های مورد درخواست را برای ما نوشته تا روز بعد، آنها را در سالن مطالعه برای شما بیاورند.

باری چون روز نخست، ما را به نسخه‌های خطی کتابخانه دسترسی نبود ما را به دیدار نسخه‌های نفیسی از کتابهای خطی فراخواندند که آنها را در ویتترینها نهاده و گشوده بودند.

رئیس بخش نسخه‌های خطی - که ایرانی الاصل و کاملاً به زبان فارسی آشنا و به خوبی با این زبان با ما گفتگو می‌کرد - تا آنجا که مقررات مربوط به کتابخانه اجازه می‌داد از هیچگونه همکاری با ما دربر نمی‌گرفت، لکن مقررات خشک این کتابخانه اجازه نمی‌داد چنان سماحتی به خرج دهند که جایگاهی در کنار یا نزدیک مخزن برای ما فراهم آورند تا با سرعت و سهولت به تدوین فهرست مخطوطات توفیق یابیم.

لذا امروز باید به کاری دیگر در آن کتابخانه روی می‌آوردیم، و قبل از آنکه فهرست دستنویست نسخه‌های خطی را برای ما بیاورند تا سه نسخه خطی را از درون آنها برای روز بعد گزین نمایم، آقای پاپازیان ما را به دیدار کتابهای نفیس و اشیاء نفیس دیگر که در ویتترینها قرار داشت فراخواند و گزارشهای راجع به این کتابخانه داشت.

در این ویتترینها چند کتاب اسلامی فارسی و عربی جلب نظر می‌کرد از آنجمله:
- تکمله «النجاة» ابن سینا که در ۱۰۳۷ هـ ق = ۱۶۲۶ م به خط نسخ تحریر شده بود. البته توفیق نیافتیم این نسخه را در بیرون ویتترین تورق و تصفح کرده تا معلوم شود این تکمله از آن کیست. احتمالاً نسخه بسیار نفیسی است که اگر خداوند توفیق دوباره‌ای مرحمت فرماید این نسخه را بررسی خواهیم کرد.

- دیگری کتاب «بوستان و گلستان» در متن وهامش به خط نستعلیق خوش و نیز آراسته و تاریخ تحریر آن ۱۲۵۷ هـ ق می‌باشد.

- نسخه دیگری که بس عجیب و شگفت آور می‌نمود کتابی بس بزرگتر از هر کتب عادی و حاوی مواعظ قسیسان و کشیشان که به خط ارمنی بر روی پوست - با چنان عرض و طولی کم نظیر - نگارش شده و شامل حدود پانصد صفحه بزرگ و دارای وزنی معادل سی و دو کیلو بوده است. چنین کتابی را در ویتترین بزرگی به معرض نمایش گذارده بودند و آقای هـ د. پاپازیان می‌گفت: این کتاب از زمان سلطان محمد فاتح در ترکیه مخفی بوده و در حدود سال ۱۹۱۵ م - همزمان با خلافت سلطان عبدالحمید - دو تن از زنان ارمنی آنرا از ترکیه به ارمنستان آوردند و چون سنگین بود آنرا دو نیم کردند و هر یک، نیمی از آنرا به دوش کشیده و آنرا از

قسطنطنیه با زحمت طاقت فرسایی پیاده به ارمنستان رساندند. این کتاب از زمان فتح ترکیه توسط مسلمین مخفی نگاهداشته می‌شد و سرانجام بدین صورت به ارمنستان رسید؛ لکن چند برگ از این کتاب افتاده است که آنها را به کشوری و یا کشورهای دیگر برده‌اند. علت مخفی نگاهداشتن این کتاب از آنرو بوده است که کتابهای ارمنی را در ترکیه از میان می‌بردند و بارها به قتل عام و یا کشتار دسته جمعی ارمنی‌ها دست می‌یازیدند و در زمان سلطان عبدالحمید که ارمنی‌ها و اموالشان در امپراطوری عثمانی - ترکیه فعلی - مورد تهاجم و یورش قرار گرفت دو زن یاد شده با تحمل دشواریهای فراوانی این کتاب را از ترکیه بدینجای آوردند.

- و کتب دیگر که متشکل از اناجیل و کتب مذهبی و تاریخی که از لحاظ نفاست، کم نظیر و یا بی نظیر می‌نمود.

- آقای پاپازیان می‌گفت: قدمت نسخه‌های خطی این کتابخانه به دو قرن قبل از هجرت می‌رسد.

- در این کتابخانه پانزده هزار نسخه خطی به خط و زبان ارمنی وجود دارد و به زبانهای دیگر حدود ۲۵۰۰۰ نسخه در این کتابخانه نگاهداری می‌شود.

- در این کتابخانه نوشته‌هایی دیده می‌شود که بسیار جالب می‌نمود، از آنجمله روی هسته خرما با خط و زبان سانسکریت مطالبی را نقش کرده بودند.

به نظر نگارنده مرکز نسخ خطی - یا - کتابخانه «ماتناداران» که این نام، تحریفی از «متن داران» فارسی، یا «ماتیکان» پهلوی است از لحاظ احتواء بر نسخ خطی ارمنی بی نظیر، و نیز از نظر نفاست و قدمت و غناء آن در جهان کم نظیر می‌باشد.

مطالعه متن فرمانهای بازخوانی شده و قباله‌ها

چون هنوز باید تا فردا برای دریافت سه مجلد! نسخه خطی اسلامی در کتابخانه منتظر بمانیم، و فهرست دستنوشته نسخه‌های خطی کتابخانه مذکور نیز در اختیار ما قرار نداشت، آقای پاپازیان سه مجلد کتاب را که محتوای آنها فرمان پادشاهان ایران راجع به گرجستان و سرزمینهای دیگری بود که تحت حکومت ایران به سر می‌بردند در اختیار ما قرار داد. این کتاب‌ها اگرچه به زبان فارسی بوده و به چاپ رسیده است؛ اما از باب احتیاط - که مبادا در میهنمان وجود نداشته باشد - به تهیه

یادداشت از آن، روی آوردیم که فهرست آن بدین شرح است:

مجلد اول مشتمل بر فرمانها و مطالب دیگر:

□ فرمانهای پادشاهان ایران:

- این فرمانهای به زبان فارسی و از فرمان سلطان جهانشاه قراقویونلو (۱۴۴۹ م = اواخر / ع ۱ / ۸۵۳ هـ ق) آغاز می شود:
- متن فرمان خاندان قراقویونلو از ۸۵۳ تا ۸۹۸ هـ ق.
- فرمان شاه اسماعیل صفوی، مورّخ شعبان ۹۰۸ تا حکم بیگلربیگی آذربایجان، مورّخ ۹۸۸ هـ ق = ۱۵۸۱ م.
- صورت عهدنامه محمد پیامبر [صلی الله علیه و آله و سلم] با جماعت ارامنه، با تاریخ تحریر ۹۹۱ هـ ق = ۱۵۸۳ م.
- فرمان سلطان محمد خدابنده، مورّخ ۹۹۴ هـ ق = ۱۵۸۵ - ۱۵۸۶ م.
- فرمان محمود میرزا به (سیمیون خان) والی گرجستان، مورّخ ۱۰۰۲ هـ ق = ۱۵۹۵ م. علاوه بر بازخوانی متن فارسی و چاپ آن، ترجمه آن به زبان ارمنی و روسی نیز در این مجلد چاپ شده است.

مجلد دوم فرمانها:

□ فرمانها بدین شرح در این مجلد آمده است:

- چند فرمان شاه عباس اول صفوی، به ترتیب با تاریخهای (۱۰ ع ۲ / ۱۰۰۲ هـ ق = ۱۶۰۲ م)، و نیز ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶ و ۱۰۲۹ هـ ق.
- حکم امیر کونه خان قاجار، بیگلربیگی چخور سعد، مورّخ ۱۰۲۹ هـ ق = ۱۶۲۰ م، با مهر محمد بن محمد بن باقر بن محمد زمان نصری [نصیری] طوسی ابوجعفری.
- ایضاً فرمانهای شاه عباس اول، مورّخ ۱۰۲۵ هـ ق = ۱۶۲۰ م، و ۱۰۳۶ هـ ق.
- فرمانهای شاه صفی ۱۰۳۸ هـ ق - ۱۶۲۹ م، ۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴ هـ ق و دو فرمان دیگر بدون تاریخ.
- فرمانهای شاه عباس ثانی مورّخ ۱۰۵۳ هـ ق = ۱۶۴۴ م، ۱۰۵۴ هـ ق. ایندو با مهر شاه عباس ثانی، و تاریخ ۱۰۵۵ تا ۱۰۵۷ هـ ق.

- فرمان هموبه کیخسروخان، بیگلربیگی چخورسعد، مورّخ ۱۰۵۷ هـ ق = ۱۶۴۷ م و فرمان‌های دیگری مورّخ ۱۰۵۸، محرم ۱۰۶۰ صفر ۱۰۶۰، و دو فرمان دیگر در همین ۱۰۶۰، وع ۱/۱۰۶۰، وع ۲/۱۰۶۰ و ج ۱/۱۰۶۰ هـ ق.

متن فارسی یا عربی قباله‌ها:

□ این متنها که بازخوانی شده، همراه با ترجمه روسی و ارمنی است و تصویر قباله‌ها نیز بدین شرح در آنها آمده است:

- وقفنامه موقوفات کلیسای حضرت کورک در جزیره لیم دریاچه «وان» مورّخ ۱۳۰۵ م، به زبان عربی،

- تتمه این وقفنامه و تکمله آن.

- سرحد نامه قرای خوط، و شیشهر و حالروز املاک طائف، مورّخ ۱۴۰۰ م، به

زبان فارسی.

- قباله و وقفنامه قریه «اوج کلیسا» که در سال ۱۴۳۰ م بر اساس سه قباله مورّخ

۱۴۲۸، ۱۴۳۰ م تنظیم شده است؛ به زبان عربی.

- قباله و وقفنامه قرای «اوج کلیسا» و «اشترک» و جز آنها که در ۱۴۱۳ م گریگور

خلیفه آرامنه آنها را از امیر رستم بن بیشکن بن سنباط اوربلیان خریداری کرده و بر

«وانک اوج کلیسا» وقف کرده است. به زبان عربی.

- قباله قریه «کراهنج کوجزهر» که در سال ۱۴۳۶ م امیر حسین معدی و بکم پاشا

و طان زاده به آوان بن اوهانس فروخته‌اند، به زبان فارسی.

- قباله و وقفنامه املاک قرای سواری و طاشو و آقا و طانزه و اب و فرمغوت و

یک باغچه که در سال ۱۴۵۰ م، شماوین خاجه طور [خاچه طور] بن یعقوب

الکلکوتی، متولی وانک طائف از رستم بن پیشکین بن سنباط اوربلیان و غضنفر بن

جان و پیر قلی خریده و بر وانک طائف، وقف نموده است؛ به زبان فارسی.

- مصالحه نامه قرای منکوس، و اوانیک، و کودیس، و قزل وانک، و کوخت، و

ترینیس، و سORB کیس و مزارع کدوز وانک، و اوانه سر - که قبلاً از طرف قاضی بیت

المال ولایت «چخورسعد» مصادره شده و به موجب این مصالحه در سال ۱۴۸۹ م

دوباره به تصرف مالک سابق: زکریا بن شهین بن جهان شاه درآمد. به زبان فارسی.

- قبالة قرية «اوشكان» که در سال ۱۴۸۹ م خواجه سعدی وقاص بن خواجه سید علی از عامل بیت المال: امیر کمال الدین عابدین بیک خریداری نموده است؛ به زبان عربی.

- قبالة شش دانگ قرية «آیدین درویش» که در سال ۱۵۰۳ م، ابراهیم بیک بن یعقوب الیاوت از فخرالدین ارمنی خریده است؛ به زبان فارسی.
فهرست دستنویست نسخه‌های خطی اسلامی در «ماتناداران»

ناگزیر چنانکه اشاره شده روز اول دیدارمان از این مرکز در جهت مطالعه و تهیه یادداشت از فرمانها و قباله‌ها به زبانهای فارسی و عربی - که به زبانهای ارمنی و روسی ترجمه شده بود - مصروف گردید؛ ولی هنوز تا لحظات تعطیل کتابخانه مذکور، فرصتی نسبتاً قابل توجه را در پیش داشتیم، لذا نام کتابهایی را که بسیاری از آنها نادرست می‌نمود و نیز اسامی کتبی که احتمالاً نفیس به نظر می‌رسید - با ذکر شماره آنها - یادداشت می‌کردیم تا در روزهای آتی این کتابها را در اختیارمان قرار دهند!

این فهرست دستنویست که در چندین مجلد به ترتیب شماره - بدون در نظر گرفتن هرگونه معیاری از قبیل موضوع و یا ترتیب حروف هجاء - تحریر شده و توسط دو تن یکی آشنا به زبان فارسی و دیگری که عرب زبان بود فراهم آمده بود - سرشار از اغلاط و هفواتی غیر قابل اغماض بود. از شماره اول تا شماره ۲۷۵ اسامی حدود یکصد و پنجاه کتاب خطی را نگاشتیم.

اما متأسفانه شمار معدودی از نسخه‌های خطی را در اختیار ما قرار می‌دادند که نمی‌توانست یکروز فرصت کارمان را پر کند، لذا از دورن حدود یکصد و پنجاه نسخه خطی به گزینش نسخه‌هایی احتمالاً نفیس و یا شبهه برانگیز در نفاست، روی آوردیم و نسخه‌هایی که از این پس معرفی می‌شود مورد مطالعه قرار گرفته و فهرستی گویا و درست از آنها تنظیم کردیم:

فهرستی که طی سه روز برای نسخه‌های خطی فراهم آمد

● حاشیه التصدیقات: عصام الدین اسفراینی (م ۹۴۳ هـ ق) (منطق - عربی)

حاشیه‌ای است با عنوانهای «قوله، قوله...»

آغاز: بسمله. قوله: المقالة الثانية في القضايا و أحكامها. أي الموضوعات الذكورية في هذه المقالة أنواع: القضية و أحوال القضايا؛ فعبر عن الأحوال بالأحكام؛ لأنها يحكم بها و هي العكس و النقيض و عكس النقيض...

انجام: ... قوله لامتناع أن يكون جزء الشيء مطلوباً بالبرهان. هذا انما كان يتم المسئلة نظرياً... فليكن مسئلة بديهية يكون محمولها ذاتياً لموضوعيها. هذا آخر ما وقفنا بتصويره في هذه الأوراق من فيض الفياض على الإطلاق؛ و أرجو أن ينتفع به ذوى البصائر في الأقطار و الآفاق. [تمت الحاشية المولى العصام على التصديقات في سنة...]

○ نسخ ترکی: از احمد شمنوبی ابن عثمان در ۱۱۸۱ هـ ق، با حواشی به نشانه‌های «عبدالجلیل» «ابن کبابی سلمه الله»، «احمد»، «ابن کنعان»، «حصاری»، «حل العقود سلمه الله» و جز آنها به نستعلیق. عناوین وزیر سطور متن به شنگرف، مجدول به زر و طلا، ۲۳ سطری جلد مقوایی عطف میش، اهدائی Hozurian حضوریان.

- این نسخه در فهرست دستنویست با عنوان «فیض الفياض على الإطلاق» به غلط معرفی شده که فهرست نویس این عنوان را از عبارتی در پایان کتاب گرفته است! و عبارتی از مؤلف راجع به اختتام کتاب - که به مدد فیض فیاض علی الإطلاق یعنی خداوند متعال، آنرا به پایان برده است - را نام کتاب تصور نمود. [۱۶۹]

(ادب، معمی - فارسی)

● حل:؟

کتابی است منظوم در معمی که در آغاز آن - ضمن دیباچه‌ای منظوم - به ستایش سلطان محمد بهادرخان می‌پردازد. شرف‌الدین علی یزدی (م ۸۵۳ هـ ق) را کتابی است به فارسی در معمی و لغز که جز نسخه مورد بحث ما می‌باشد.

آغاز:

حسن مطلع جز به حمد ذوالجلال	نیست ممکن وان به سعی ما محال
خودثنای خویشتن گوید مگر	داده لاأحصی از این معنی خبر
بر زبان آنکه جان عالم است	مرنبوت را اساس و ... است

انجام: ... جابر، جلال، جمال، عابد، عماد، عمار.
بود چون دیدم به جام آن دهانش بانگر
از کنار چشم تا پهلوی او آب حیات
تمت و بعد از شما می بابها
خرم و هست از میان صورت بها
از ازل خبر آمده تاریخ او
۸۴۸
تا ابد گشتم شود رمزی مگو
محض مقصود است و آیین از رخم
۸۴۸
وانکه با ابواب جنت هست ضم
۸۴۰
این مناظر چون سرآمد از قیاس
شد مروزن چون مشاعر از حواس
تحفه سال قران در برج ماه
بس مبارک مقدم از فضل اله
بر جهانبانی که آثار قران
در جهان از نصرت او شد عیان
تا جهان باشد بعدش پادشاه
دم بدم از دولتی نوشاد باد

[تمت الكتاب بعون الله و حسن توفيقه در تاریخ ۸۴۸]

○ نستعلیق گویا خود مؤلف یا مقارن زمان او در ۸۴۸ ه. ق. در پایان آن منظومه‌ای به زبان عربی آمده است، با یادداشت تملک محمد بن علی، مورخ اواخر ذی القعدة ۹۰۳ ه. ق، کاغذ سمرقندی، ۱۵ سطری، ۱۴۸ صفحه، جلد ضربی با ترنج در درون.

[۶۱۰]

● شرح الهدایة الأثیریه: کمال الدین حسین بن معین الدین میبیدی (م سده ۱۰ ه. ق) (حکمت - عربی)

شرحی است مزجی و بسیار معروف بر کتاب «هدایة الحکمة» اثر الدین ابهری

(م ۶۶۳ هـ ق) که با توجه به مقدمه آن، معلوم می‌گردد که آنرا در ایام جوانی تألیف کرده و لذا از اشتباهات خود در این کتاب، پوزشخواهی می‌کند.

آغاز: بسمله، الهدایة أمر من لديه، و کل شیء یرجع و یرعود إلیه. له الحمد علی ما أنعم علینا سوابق النعم و لواحقها، و ألهم إلینا حقائق الحکم و دقائقها. و الصلوة علی جمیع الأنبیاء و الأولیاء خصوصاً علی نبینا محمد محدّد جهات العدالة و خاتم فص الرسالة، و علی آله الواصلین و أصحابه الكاملین. و بعد فیقول الفقیر المعتصم بلطفه الأبدی: حسین بن معین الدین المیبدی (صالح الله تعالی بالیئهما)...

انجام [افتاده]:... هدایة النفوس الناطقة الساذجة إذا ظهر... و ان الحقائق بکسب المجهول: متعلق بقوله: «ظهر عن المعلوم» لزم. فهذا من هذا الکسب شق إلی الکمال، لکن ذلك الشق کامن فیها لا یتظهر ظهوراً معتدّاً به مادامت متعلقة بالبدن لأن علائق البدنیة.

انجام در [نسخه‌های کامل]... و توفیق الوصول إلیه من الله الأكبر.

○ نوشته سده؟ با حواشی به نشانه‌های: «لاری»، «هدایة»، «میر»، «شرح حکمة العین»، «خواجه»، «فخرالدین»، «محمد طالشی»، «ع ب»، «م خ»، «حسین» و جز آنها. عناوین و خطوط زیر سطور متن به سنگرف، ۱۵ سطری در اوائل، و مختلف السطور در بخشهای بعد، ۱۲۰ برگ.

- این نسخه به غلط، «شرح حکمة العین کاتبی قزوینی» معرفی شده، در حالیکه شرح هدایة الحکمة یا به تعبیر دیگر: «شرح الهدایة الاثیریة» می‌باشد [؟]

● مجموعه رسائل و کتب:

۱ - *اشارات المذاهب*: به احتمال قوی و بلکه قطعاً از عبدالرزاق بیک فرزند نجفقلی خان بیگلربیگی دنبلی گروسی، متخلص به مفتون (۱۱۷۶-۱۲۴۳ هـ ق). (فارسی - تاریخ ادیان)

وی معاصر عباس میرزا و مقرب درگاه او که به نام او کتاب *حدائق الأدباء* در بیست و سه حدیقه: منشآت و مطارحات سرایندگان فارس و عرب و سیاست پادشاهان و آداب وزراء و اخلاق و تواریخ را گرد آورده است. کتاب *اشارات المذاهب* باید قویاً از همین مؤلف باشد. وی دارای کتابها مآثر سلطانی در تاریخ

قاجاریه، و نگارستان است. فرزند او بهاء الدین محمد آقا، حاکم تبریز بوده و او نیز دیوان شعر داشته و فرزندان دیگری از جمله حسینقلی آقا که ریاضی دان و طبیب بوده است.

آغاز: ذکر طبقه سلاطین پیشدادیان، کیومرث بن قلیان بن انوش بن شیث بن آدم: نخستین سلاطین جهان و اولین ملوک پیشد ادیان است. قبل از فرزندان آدم (ع) کسی بر سَنَدِ سلطنت متمکن نشد. بعضی از مورخین، او را آدم می دانند، و بعضی از نسل نوح، و بعضی از نسل و صلب آدم، و طائفه‌ای او را قلیان پسر انوش بن شیث، و فرقه‌ای از اولادِ سام... بالجمله اولین حکومت جهانی چنانکه فردوسی گوید:

نخستین خدیوی که کشور گشود سرِ تاجداران کیومرث بود
انجام: ... دوستی حق قبله همت شود، جان او از واسطه خواهش جسم
می باید... بانِ نثارِ عمر گردد و عمره اعمال، نتیجه آن جسم می شود؛ چنانکه هر
میوه وابسته به موسم خود، و درخت خود است. خواهش از خاطر دور دار؛ ولی
آزرده شود، از جسم یافتن خلاص شود اعمال نیک کردار. نیک هم عرضی باشد؛
ثمره مترتب نمی شود تا جسم نگیرد به دنیا نیاید ثمره نتیجه چه نوع رسد.

○ نستعلیق علی اکبر حسینی تفرشی ابن حاجی سید اسماعیل حاجی میرزا
طبیب در روز یکشنبه ۵ ربیع الاول ۱۲۶۶ هـ ق در دارالخلافة طهران. با تصویرهای
زیبا و پخته از پادشاهان به رنگ مشکی. جدول زرین و سنگرف و سیاه. عناوین
سنگرف. پاره‌ای از اوراق او آخر بدون جدول است، ۲۱ سطری، برگ ۱ تا ۱۷۳.

۲ - **اشارات الأدیان**: گویا از همان عبدالرزاق دنبلی (فارسی - تاریخ ادیان)
آغاز: بسمله، نامه شت جی افرام: ۱ - پناهیم به یزدان از منش و خوی بد و
زشت و گمراه کننده، به راه ناخوب برنده و رنج دهنده، آزار رساننده ۲ - به نام ایزد
بخشاینده بخشایشگرِ مهربانِ دادگر ۳ - به نام ایزد روزی ده جاندار و آمرزنده
نیکوکار...

انجام: ... و پدر بزرگوار این جم را از جهان برین دریافت، و سترگان و شهنشاه در
خواب دیدند، و به انبوه آمده و به من گرویدند و دار دا دار؟ بر چندان باره

برافروخت که نیارم شمرد؛ و هنوز افزارش در کار است، و من تن ستان - برابر - به وجه دیدم و در دریایی روان ساری، روانسار را به وجه دیدم و در دریای خردستان و خردزار را دیدم، و در دریای گوهر یزدانی؟ انجام یافت که در این نامه بخوانی

○ نستعلیق همان نویسنده (علی اکبر حسینی تفرشی) در ۱۲۶۶ هـ ق، با جداول، برگ ۱۷۸-۲۲۰.

۳- تاریخ دنا بله - یا - ریاض الجنة: از همان عبدالرزاق دنبلی

(فارسی - تاریخ)

کتابی است در تواریخ دودمان اکراد دنا بله و احوال آنها که چند نسخه از آن در کتابخانه‌های ج.ا. ایران نیز وجود دارد، و نیز نسخه‌ای از آن در کتابخانه شخصی ملک الشعراء بهار وجود داشته است.

آغاز: بسمله، باز نمودن احوال [اقوال] قبیله و اجداد جامع این نسخه بدیع بنیان. يقول حاوی الأوراق، المتمسک بحبل النبی و الوصی: ابن نجفقلی الدنبلی عبدالرزاق (عفی الله عنه) قال صاحب القاموس: دُنْبِل كَقُنْفُذ قَبِيلَةٌ مِنَ الْأَكْرَادِ بِنَوَاحِي الْمَوْصِلِ...

انجام [گویا ناتمام]: ... ماطار حمام من مقامی إلى دیار أحبائی و أصحابی.
إلا أنى شددت بجناحیه مكاتبه الفراق.

بیت:

به بال مرغ بستم نامه سردادم سوی یارش

گرانبار است می ترسم که بگشاید زمنقارش

○ به خط نسخ خوش و زیبا، که رستم بن احمد خان دنبلی در روز پنجشنبه ۵ ذوالقعدة ۱۲۶۶ هـ ق (که ظاهراً سال تحریر نسخه است) بر اولاد خود وقف کرده بود. در دو برگ نخست، حکایات و مطالب متفرقه و اشعار فارسی آمده، و در برگ ۱۷۴ تا ۱۷۸، اشکال و دوائر هیوی و نجومی با رسم و تصویری ناخوش به شنگرف، و یادداشتی طبی دیده می شود، و نیز در برگ ۲۵۰ تا ۲۵۳ این مجموعه، مطالبی به سان جنگ از حکایات، اشعار و عرفان به خط نستعلیق ناخوش آمده است. [؟]

(بنگرید به: الذریعة ۳۲۳/۱۱ که به عنوان «ریاض الجنة» گزارشی در آن دیده می‌شود.

● تحفة الملوك؟ (فارسی - اخلاق و عرفان)

در الذریعة شش کتاب به نام تحفة الملوك آمده که نسخه مورد نظر ما هیچکدام از آنها نیست، چنانکه کتابی به عنوان تحفة الملوك که «بهر امشاهیه» نام دارد که با نسخه ما متفاوت است.

نسخه مورد بحث در چهل باب، و هر باب در چهار نصیحت تنظیم شده است. آغاز: بسمله، حمدله، این رساله مشتمل بر آنکه حکماء از کتب قدماء اختیار کرده‌اند، و فوائد بسیار در ضمن هر حرفی مرقوم و معلوم می‌شود، از هر مرزی رمزی، و از هر اشارتی بشارتی مستفاد است. چون سعادت‌مند، از این پند بهره‌مند گردد و متصف به عادات پسندیده و اخلاق حمیده گردد...

انجام: ... باب چهلم در آنکه چهار چیز، چهار چیز را ببرد؛ تکبر مروت را، کسالت دولت را، ناسپاسی نعمت را، بیداد قوت را.

○ نستعلیق خوش سده ۱۰ یا ۱۱ هـ ق، با کاغذ متن و حاشیه. کاغذ حاشیه کبودرنگ که با گل و بوته در تمام صفحات آرایش شده، عناوین شنگرف، با جداول در تمام صفحات، ۷ سطری، ۱۱ برگ، به اضافه دو برگ سفید، جلد تیماج ضربی با ترنج [۵۶۵]

● مجموعه:

۱ - فالنامه با قرآن کریم (استخاره): منسوب به حضرت جعفر بن محمد، امام صادق (علیه السلام) (فارسی - آداب)

آغاز: بسمله، الحمد لله رب العالمین، و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله أجمعین. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «اتقوا فراسة المؤمن؛ فإنه ينظر بنور الله». این فال قرآن به غایت، مجرب است؛ معتمد از قول مقتدای اهل ایمان، امام العالمین امام جعفر صادق (علیه السلام) که مدت پنجاه سال خاطر مبارک بر آن گماشتند، و تجربه‌ها نموده تا این فال از کلام ربانی (تعالی و تقدس) استخراج فرموده...

انجام:... و لقد أتوا على القرية: این ضیاع اصل ندارد و نباید خرید.
 و قدمنا إلى ما عملوا من عمل: عاقبت این کار، میانه باشد.
 إِمَّا مِنَّا بَعْدَ و اما فداء: اگر خصومت نکند بهتر باشد.
 إن رحمت الله قريب من المحسنين: این وام دادن و ستاندن نیک است.
 ○ نسخ و نستعلیق خوش حسین آشتیانی در سده ۱۲ یا ۱۳ هـ ق، کاغذ فرنگی،
 ۵ سطری، برگ ۱-۱۸.

۲ - منشآت و مکتوبات

در این منشآت از عباس میرزا نائب السلطنه و تاریخ ربیع الثانی ۱۲۳۹ هـ ق یاد شده است.
 (فارسی - ادب و تاریخ)

آغاز: بسمله، سپاس و ستایش آفریننده را سزاست که تخم وجود انسان را به دست قدرت ازل در آب و گل افشانده، طروات و رعونت صنوبر و آزاد داد، و به تعلیم «و علم آدم الأسماء» و تاج «و لقد کرمننا بنی آدم» بر سر نهاد...
 انجام:... و به روشی که مقرون به مصلحت رأی نیک اندیش تواند بود، و به معرض عرض واقفان موقف حضور خواهد آمد، صلاح ما حمد آن است کافی...
 صلاح اینند که ظل... باد.

○ شکسته نستعلیق همان نویسنده (حسین آشتیانی) در سده ۱۲ یا ۱۳ هـ ق، ۱۵ سطری، برگ ۱۹-۸۰، کاغذ فرنگی، جلد چرمی یک لا. [؟]

● انشاء قائم مقام فراهانی (منشآت) (فارسی - دستور نامه نگاری)

از نابغه دوران میرزا ابوالقاسم بن [محمد] میرزا عیسی قائم مقام ابن محمد حسن بن عیسی بن ابی الفتح بن ابی الفخر بن ابی الخیر حسینی فراهانی طهرانی، مقتول در ۱۲۵۱ هـ ق که عامل و موجب به سلطنت رسیدن محمد شاه بن عباس میرزا بن فتح علی شاه قاجار - پس از مرگ جد محمد شاه، یعنی فتح علی شاه بوده، و حق عموهای محمد شاه را از دست آنها ربوده است. حتی یکسال از این جریان نگذشت که محمد شاه او را محکوم به اعدام کرد و اموالش را مصادر نموده و آثار قبر و تألیفات و نوشته‌های منظوم و منثورش را محو کرد؛ لکن فرهاد میرزا پسر عباس میرزا پاره‌ای از آنها را جمع کرده و در سال ۱۲۸۰ هـ ق به طبع رسانده و آنرا

«منشآت قائم مقام» نامید که دارای ۱۶۰۰۰ سطر است، و دیوان او را در ذیل آن آورد، و محمود صبا ملک الشعراء بر آن دیباچه‌ای نگاشت. آنگاه بار دیگر در تبریز به سال ۱۲۹۴ هـ ق به چاپ رسید. وحید دستگردی دیوان او را مستقلاً در حجم دو هزار بیت به سال ۱۲۹۸ هـ ق به طبع رسانده که در این چاپ شرح حال مفصلی درباره شاعر به قلم نواده او عبدالوهاب قائم مقام آمده است.

منتخب و گزیده منشآت قائم مقام همراه منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی، وزیر نادر شاه، و منشآت صاحب دیوان علی آبادی و فاضل گروسی و معتمد الدوله نشاط، به نام «مخزن الإنشاء» در ۱۲۷۳ هـ ق در تهران چاپ شد. یکی از مثنوی‌های قائم مقام «جلایرنامه» است که ایرج میرزا در مقابله با آن، «عارفنامه» را به نظم آورده است. قائم مقام به جای پدر خود عیسی وزیر فتح علی شاه نیز بوده است.

از آثار دیگر قائم مقام فراهانی: شمائل خاقان و مخائل سلطان است که در زمان فتح علی شاه (م ۱۲۵۰ هـ ق) آنرا در یک مقدمه و سه باب تألیف کرده، ولی به پایان نرسید. و نیز دیباچه‌های جهادیه (کوچک و بزرگ) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس موجود است.

(بنگرید به: الذریعة ۱/۳۹۲ و ۵/۲۹۷ و ۹/۱۸۵ و ۱۴/۲۱۹).

آغاز: بسمله، ابتدای هر سخن و افتتاح هر کلام به نام پروردگاری شایسته و سزاوار است که بیت موزونِ فلک را [بی] و تَد و سبب برافراشت، و سقفِ مرفوعِ سماء را بی عروض و ضرب به پا داشت... [پس از یک صفحه]: این عریضه عاجزانه و ذریعه چاکرانه از عبد ضعیف آثمِ جانی: ابوالقاسم بن محمد عیسی الحسینی الفراهانی به خاک راه درگاه ولی عهد دولتِ اسلام نگهبان...

انجام: ... فقال: هل الخمر، ولا یسقنی سراً إذا أمکن الحمد؛ فهم قادة أهل الفضل و سادة أدباء أهل العصر، الجامعون بین العمل و العلم...؟

○ شکسته نستعلیق سده ۱۳ یا ۱۴ هـ ق، ۱۵ سطری، ۹ برگ (نسخه بخشی از انشاء یا منشآت است) جلد مقوایی با روکش کاغذی منقوش به تصویری بیضی با

گل و بوته [۱۳۰]

(ترکی - تاریخ)

● تاریخ قره باغ

آغاز: احوالات قره باغ لا إله إلا الله، محمد رسول الله، على ولي الله، بسمله، شکر بیوک و بی مثل اولانی الله (تعالی) ابچوند و رپيله الله ايکه جمع عالملى خلق ايدوب و نعمت و یرمدی، و الله تعالابن هرسيتر اولان سلامی و کينه سلامی جمع پیغمبر لرزاده رينه، و پاک اولان ديلری اوزه رينه اولسون...

انجام: [افتاده]:... و اسماعیل ایچون سرکسلى على بکی اولد و مکه صحنه و خان دمیر اوفی باد سورده سالدر لار و جیار یکی دو توپ کردند ديلر نفیسه بر پنجه وقت قفلسده دوستاخ اولای صور اجبار بکین تبلچا لاری صولاخ اولای اوچهته.

○ نستعلیق سده ۱۳ یا ۱۴، ۱۴ سطری، ۳۶ برگ، جلد مقوایی [۲۲۶]

● منشآت

(فارسی - دستور نامه نگاری)

میرزا مهدی خان بن محمد نصیر استرآبادی منشی استرآبادی، که منشی نادرشاه بود و در سده ۱۲ هـ ق می زیسته است. این کتاب درباره عقد نامه ها و وقفنامه ها و نامه ها و فرمانها و وثیقه ها است، و ضمن مجموعه منشآت در ۱۲۸۱ هـ ق در تبریز به چاپ رسیده است.

آغاز: بسمله، جبذا این بیاض دل آرا که تذرور نگین پرو بال است که از چند [جلد] نگارش سپهر پر نقش و نگار گشوده، و طاوس پر خط و خالی...

انجام:... و متوطنین و مترددین مشارالیه را مباشر این امر دانسته، از قول و فعل و تجاوز جائز [و] روا ندارد [تمت الکتاب!]

○ شکسته نستعلیق ملانوروز علی بم کربلائی گنجعلی در ۶ جمادی الثانیه ۱۲۳۷ هـ ق، با مهر محمد یوسف، و یا ابا عبدالله در لابلاى اوراق، ۷۶ برگ، ۱۵ سطری، [۳۲۸]

● جهان گشای نادری:

(فارسی - تاریخ)

میرزا مهدی خان بن محمد نصیر استرآبادی منشی (زنده در سده ۱۲ هـ ق)، در تاریخ جنگها و کشورگشایی های نادرشاه افشار تا درگذشت وی و نیز یکسال پس از مرگش. با مقدمه ای در اوضاع سیاسی ایران پیش از نادرشاه، و فتنه افغان و حوادث مربوط به پس از دوره صفویان.

آغاز: بسمله، بر دانایان رموز آگاهی و دقیقه شناسان [دقیقه یابان] حکمت الهی

واضح و مبرهن است که [در هر عهد و اوان که] اوضاع جهان منقلب و پریشان و چرخ ستمگر لگام ستم کیشان...

انجام: ... مقدمات بعد دولت نادری را و کیفیت آشوب آنزمان را که از حد و حصر افزون بوده، تقریر آن از حوصله زبان قلم، بیرون تحریر خواهد شد.

○ نستعلیق خوش و زیبا در چهارشنبه ۲۸ ربیع الاول ۱۲۲۰ هـ ق، با مهر «یا امام محمد تقی». در صفحه عنوان چند یادداشت تاریخ تولد دیده می شود. در هامش برگ آخر نسخه آمده است: «به تاریخ جمیدی الثانی [الثانیه] این کتاب تاریخ نادری را در استرآباد به جهت نور چشمی: «احمد» به مبلغ دوازده هزار خرید شده، متوقع که هر وقت این کتاب را بخواند کمترین را از یاد فراموش نکرده و دعائی در حق من بکند که خدا زود از این غربتم خلاص بخشد. کتبه محمد تقی بن حاج غلامعلی تبریزی، نویسنده کنسولگری استرآباد ۱۲۶۸ هـ ق. در فهرست دستنوشته «ماتناداران» به عنوان «تاریخ نادری» شناسانده شده است، عناوین سنگرف، ۱۶۰ برگ، ۱۹ سطری، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی []

● کتاب فی الفقه: (عربی - فقه)

معلوم نشد از کیست، اجمالاً از دانشمندی شیعی می باشد، و در صفحه عنوان نسخه آمده است: «فقه حاجی میر محمد علی»

آغاز [افتاده]: و أعم من أن تكون المنفعة استيفاء كما في الدائم؛ كما ذكرنا، و في الوقف العام أعم من أن تكون العين باقية...

انجام [ناتمام]: ... كما ذكرنا، لا أنها وردت لإتيان... فعلى كل حال يجب القضاء على كل ما كان له... أعم من أن يكون الفعل فائتاً أو مفوتاً.

○ نسخ سده ۱۲ یا ۱۳ هـ ق، اوائل نسخه بدون جدول، و اواخر آن دارای جدول با خطوط سنگرف و مشکی و زرین و لاجورد می باشد، ۲۰۰ برگ، ۲۰ سطری، جلد

تیماج مشکی ضربی [۱۶۸]

● منشآت: (فارسی - نامه‌ها)

این منشآت به عصر صفوی می پیوندد که احتمالاً منشآت مستوفی الممالک است، و فهرست نامه‌های آن به شرحی است که از این پس مرقوم می افتد:

- ۱ - به یکی از دوستان نوشته‌اند.
- ۲ - دیباچه که بر بیاض جالینوس الزمان مقرب الخاقان میرزا محمد طبیب خاصه شریفه که بندگان اشرف اقدس خاقان خلد آشیان صاحبقرانی به خط مبارک خود...
- ۳ - به یکی از دوستان نوشته‌اند.
- ۴ - به عزیزی نوشته‌اند [ظاهراً به نظر علی ملک نوشته شد]
- ۵ - به میرزا فصیح برادر حسن نوشته شد.
- ۶ - کتابت خالی از لفظ عربی که به یاران قزوین نوشته‌اند.
- ۷ - به حسن بیک منشی نوشته‌اند.
- ۸ - به میرزا فصیح، برادر خود نوشته‌اند.
- ۹ - نامه که مصحوب کلبعلی سلطان سیسل پسر، بخوندگار روم نوشته‌اند.
- ۱۰ - دیباچه که بر رساله امارت پناه زمان سلطان در تعلم جوارح تالیف نموده، نوشته شد.
- ۱۱ - جواب کتابت حاکم ملتان که به ذوالفقار خان نوشته بوده‌اند، نوشته شد.
- ۱۲ - به عبدالعزیز خان نوشته شد.
- ۱۳ - ایضاً به مشار الیه نوشته شد.
- ۱۴ - به ابوالغازی خان حاکم «اورگنج» نوشته شد.
- ۱۵ - به میرزا زین العابدین منشی الممالک نوشته شد.
- ۱۶ - در قضیه نذر محمد خان به عبدالعزیز خان نوشته شد.
- ۱۷ - کتابتی که از جانب یکی از حکام سرحد نوشته شد.
- ۱۸ - جواب نامه خوندگار که مقرر شد که محمدی خان بیک بعد از روانه شدن اسمعیل آقا ایلچی روم.
- ۱۹ - به مرحوم محمد معصوم ولد مرحوم حسین بیک منشی نوشته شد.
- ۲۰ - مسوده به جهت اختتام قرآن مجید نوشته شد.
- ۲۱ - نامه که به عبدالعزیز خان نوشته شد.
- ۲۲ - رقمی که در طلب ملامحسن کاشی نوشته شد.

- ۲۳ - به یاران قزوین نوشته شد.
- ۲۴ - ایضاً به یاران قزوین نوشته شد.
- ۲۵ - صلحنامه که به جهت مهدی خان سلطان نوشته شد که او به عبدالعزیز خان نویسد.
- ۲۶ - از جانب میرزا تقی اعتماد الدوله به صفدرخان نوشته شد.
- ۲۷ - در باب فوت میرزا هادی - ولد خود - به میرزا فصیح نوشته شد.
- ۲۸ - به میرزا محمد باقر وزیر قورچش نوشته شد.
- ۲۹ - به میرزا محمد نصیر ضابطه نویس نوشته شد.
- ۳۰ - به پادشاه اوروس نوشته شد.
- ۳۱ - در جواب عبدالعزیز خان نوشته شد.
- ۳۲ - به یکی از دوستان نوشته شد.
- ۳۳ - دیباچه که بر رساله علم حکمت به فارسی نوشته‌اند.
- ۳۴ - به پادشاه هند در طلب قندهار نوشته شد.
- ۳۵ - در حین محاصره قندهار به دولت خان حاکم نوشته شد.
- ۳۶ - بعد از فتح قندهار به پادشاه هند نوشته شد.
- ۳۷ - سواد فتح نامه قندهار که به ممالک محروسه نوشته و فرستاده شد.
- ۳۸ - سواد فتح نامه، هزیمت چقای که به اسم رستم خان نوشته شد.
- ۳۹ - به یکی از حکام نوشته‌اند.
- ۴۰ - دیباچه اشعاری که به جهت سلاطین نوشته‌اند.
- ۴۱ - رقم پنج دست خلعت مقرری هر ساله محمد بیک.
- ۴۲ - رقم خلعت پوشیده روز مولود اشرف که به میرزا شفیع منجم شفقت شده.
- ۴۳ - رقمی که در باب فتح ثانی قندهار به رستم خان نوشته شد.
- ۴۴ - دیباچه که بر رساله [ای] که در علم عروض وقافیه تألیف نموده، نوشته شد.
- ۴۵ - در اجرای آب و سیورغال محمد بیک اعتماد الدوله نوشته شد.
- ۴۶ - رقم ایالت شخصی یا وزارت.

۴۷ - دیباچه رقم صراف باشیگر محصوم [معصوم؟] آقا محسن.

۴۸ - ؟

۴۹ - به یکی از دوستان به اخوان خود میرزا یوسف به نصیحت نوشته‌اند.

۵۰ - در باب القاب مخلص بلاشتباه و عمدۀ مقربان درگاه محمد بیک.

۵۱ - رقعۀ که به حسن بیک منشی نوشته‌اند.

۵۲ - کتابتی که به ملا محمد مهدی نوشته‌اند.

۵۳ - به حسن بیک منشی نوشته‌اند.

۵۴ - به ابوالغازی خان نوشته‌اند.

۵۵ - کتابتی که به میرزا تقی دولت آبادی، خالی از لفظ عربی نوشته‌اند.

۵۶ - در دیباچه رقم شخصی نوشته‌اند.

۵۷ - در باب عرض مطلب مظلومان نوشته شد.

۵۸ - در پرسش قضیه شخصی نوشته‌اند.

۵۹ - به اورنگ زیب پادشاه هندوستان نوشته شد.

آغاز: بسمله، انشاء صحائف مَحْمَدَت و ثنا برای حصول رضای پروردگار...

برنامه نامی خامۀ منشیان فصاحت نشان به ترتیب آن مبادرت نماید...

انجام: ... و تابش آفتاب حوادث قرین عافیت و رفاهت دلان باشند، علی

مرالدهور و الأزمان الطاف ملک مستعان و مورد دعایی پر وجودت خواهد بود،

باقی ظلہ المدام. قدتمت.

○ شکسته نستعلیق؟ ۸۶ گ، ۱۵ سطری، جلد چرمی قهوه‌ای یک لا [۱۵۱]

● عهدنامه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) برای نصرانی‌ها (فارسی -

فقه)

این رساله که به زبان فارسی است و احتمالاً چندین سال قبل در ایران در یکی از نشریه‌ها به طبع رسیده است حاوی مطالبی می‌باشد که هر چند نمی‌توان بر سراسر آن تکیه و اعتماد نمود؛ اما جالب می‌نماید از آنرو که در پایان آن آمده که در روز دوشنبه چهار... ماه گذشته در سال چهارم هجرت، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد بنویسند. و چون این عهدنامه نسبتاً کوتاه می‌باشد سراسر آنرا در

مرکز ماتناداران استنساخ کردم و احتمال می‌دهم با توجه به احتمال چاپ آن در ایران، رنج استنساخ آن به هدر رفته باشد؛ اما چون این مسأله هنوز برای این بنده قطعی نیست در جهت معرفی این نسخه، سراسر آنرا در اینجا می‌آورم:

بسم الله الرحمن الرحيم. این کتاب خطی است معروف، و سجلی است مشهور، سندی است مضبوط، و عهدی است که رعایت آن واجب است از برای جمیع اهل ملت از نصرانیه و غیرهم که در اطراف و اکناف عالم - از طرف مشرق عراق عرب و عجم - از جانب بلاد عرب ساکن‌اند؛ خواه نزدیک باشند به بلاد اسلام و خواه دور، مردمان ایشان راه بروند یا نروند؟! وصیتی است و عهدنامه‌ای است لازم الإطاعة، و حفظ و پاداشت آن بر همه اهل اسلام، متحتم است.

- هر آنکه رعایت این امر و این وصیت را بر ذمه خود لازم شناسد اعتقاد او به اهل بیت، راسخ خواهد بود، و اهلیت و سزاوار ثواب خواهد گشت.
- و هر که مایل تزییع و شکست این نامه شود مخالفت نماید و درگذرد از آنچه امر کرده باشد.

- پس آنکس سعی وجد و جهد کرده باشد در نقض و شکست عهد و پیمان خدای (عزوجل) و خواری و بی‌ادبی نموده باشد سزاوار لعنت گردد؛ اگر افراد سلاطین و غیره باشند، و خواه رعیت باشند از مؤمنان و مسلمانان.

□ پس شروع کردم در این عهدنامه و پیمان و میثاقی که از جانب الله با آن مأمور شدم و هستم، این عهد و پیمان را بستنی محکم که این چنین عهد و پیمانی هیچ پیغمبری از پیغمبران مرسل نبسته، هیچ ملکی از ملائک مقرب را میسر نشده که در باب طاعت و ایتهای فرائض نموده باشند. باید که وفا به عهد معهود نمایند، و نگاه داشت ایشان کنند، و اعانت ایشان را بر خود لازم دانند در هر ناحیه که باشند - خواه دور و خواه نزدیک - در حمایت جماعت ایشان و معبد ایشان و جایگاهی که ایشان عبادت پروردگار نمایند، و در جایگاهی که رهبانان و کشیشان می‌باشند، و در هر مکانی که از امثال کوه پایه‌ها و عمارتها و سنگستانها و همواریها و بناهایی بوده باشند حفاظت و نگاه داشت آن جماعت و دین ایشان و ملک ایشان نمایند.

- اگر در دریا و اگر در خشکی - آنچنانکه رعایت خاطر من نمایند - باید که این

گروه را داخل در امن و امان من دانند.

- و در هر آزار و مکروهی که ایشان را سانح شود محافظت و معاونت ایشان را بر خود لازم شناسند؛ چرا که ایشان رعیت من اند، و اهل ذمه من اند، و اتباع و اعوان امت من اند.

- و بدین سبب واجب است بر من رعایت و حفظ و حراست ایشان از هر مکروهی و آزاری.

□ و دفع کنند اینکه سبب ایشان شوند، که:

- در مطالبات و خراج، زیاده از قدرت ایشان طلب ننمایند.

- و از آنچه ایشان به آن راضی شوند دریغ نکنند.

- و ظلم و ستم برایشان نکنند.

- و تغییر بناهای ایشان ندهند.

- و کشیشان را از عمل خود باز ندارند.

- و نصرانی را مانع از آیین و مذهبی که دارند نشوند.

- و در صومعه و معبد خود به هر طریق که خواهند عبادت کنند.

- و در تخریب و انهدام کلیسای ایشان، سعی جائز ندارند.

- و از خانه و عمارت ایشان داخل مساجد و بیوتات اهل اسلام به عنف و

تعدی غصب ننمایند، مگر به رضای ایشان.

پس کسی که از فرموده درگذرد و خلاف مأمور به، به جای آورد پس عهد و

میثاق را باطل کرده و مخالفت خدا و رسول خدا نموده باشد.

- و از ایشان زیاده از چهار دینار جزیه و خراج نگیرند. و طلب ننمایند، یا یک

جامه جرمینی [چرمینی].

- و آنچه خراج از ایشان حاصل شود برای اعانت مسلمانان خواهد بود که

داخل بیت المال نموده و در مصرف معین نمایند، و زیاده از این از ایشان

طلب ننمایند.

- هر چند از اهل تجارت و صاحب جمعیت باشد - خواه در بحر غواصی نماید

و خواه در بر، معدن جواهر یا طلا و نقره و یا مال بسیار داشته باشد زیاده از دوازده

درهم نخواهند.

- پس آن کسانی که در این آیین نیز متعبد نباشند و اطاعت آن مذهب نیز نداشته باشند از ایشان چهار دینار جزیه طلب دارند.

- و از جمعی که مطیع و منقاد آیین اهل ذمه باشند زیاده از دوازده درهم طلب ندارند، به شرطی که متوطن و قائم مقام باشند.

- و از اهل ذمه آن جمعی را که راهگذاری باشند، و از سکنه بلاد نباشند، و جای و مقامی نداشته باشند خراجی و جزیه‌ای طلب ندارند، مگر آنان که در ذمت ایشان از میراث و غیره چیزی باشد که مال و حق امام در آن باشد، پس همان حق را از او طلب دارند، و جور و ستم بر او روا ندارند مگر به قدر طاقت او؛ و طمع در عمارت و زراعت و میوه او ننمایند.

- و اهل ذمه را تکلیف نکنند که با مسلمانان اتفاق نمایند در دفع اعدای دین و در محاربه و مقاتله که مسلمانان را با غیر ملت واقع شود؟!

- و اهل ذمه را جبر ننمایند که با ایشان بر سر اعداء خروج نمایند؟!

- و اگر ایشان را دشمنی واقع شود مسلمانان اسب و شمشیر و سلاح محاربه از ایشان تقصیر نکنند؛ پس بدین سبب پسندیده خصال خواهند بود.

- و احدی را از اهل ذمه به تعدی و جبر به اسلام نیاورند و جدل ننمایند [مگر] به نیکوترین وجهی!

- و بالمرحمت و عاطفت خود را به سرایشان گسترده، دفع ضرر اهل شر را از ایشان نمایند، در هر مکانی و جایی که باشند.

- و اگر یکی از اهل ذمه خیانتی نماید در قتل خطاء و غیره همراهی در باب او لازم دانند که زیاده از ما فرضه الله از او طلب ندارند.

- و طلب اصلاح فیما بین ایشان جاری دارند. و از آیه وافی هدایه «فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَّ إِمَّا فَدَاءً» در نگذرند.

- و بعد از این عهد و میثاق و اعطای جزیه و خراج، احدی از امت را به ایشان دستی نیست.

- و همچنین مسلمانان به تعدی، ازواج و ابکار ایشان کاری و مهمی ندارند، و

ایشان را نیز به هیچوجه به اهل اسلام مهمی نیست و نخواهد بود. تا آن زمان که خدا خواسته بی رخصت ایشان تصرف نمی توانند نمود، مگر آنکه به رضا و رغبت، خود در حباله مسلمانان داخل شوند، و به نکاح مسلمانان درآیند به عقد دوام یا غیر، موقوف به رضای زنان ایشان دانند که هر که را دوست دارند و راضی دارند و راضی شوند مختاراند.

- و بعد از آنکه در نکاح ایشان درآمد آن زن را به نصرانیت خود واگذارند.

- و منع از عبادت خانه نصاری نمایند.

- و در دین و آیین خود بدان طریق که خواهد سلوک نماید.

- و از اقتداء به جماعت رهبانان، آن را مانع نشوند.

- و جبر و اکراه ننمایند در ترک و رفض دین و آیین که دارد.

- پس اگر از فرموده مکتوب عهدنامه تخلف نماید مخالفت خدا نموده باشد و

نزد پیغمبر عاصی باشد. عیاذاً بالله به سبب نقض میثاق رسول خدا در نزد حق (سبحانه و تعالی) از کاذبان نوشته شود.

□ و مر اهل ذمه را است مرمت و تعمیر مساجد و عبادتگاهها و صومعهها که

داشته باشند در مصلحت دین خود و گروه ناجیه مسلمانان، معاونت و امداد خود را درباره ایشان دریغ ندارند، و این اعانت را از قبیل ترحم و مرحمت دانند.

- چون ایشان اطاعت کرده اند امان خواسته اند و در پناه آمده اند اعانت و امداد

ایشان در هر باب لازم شده است.

- اگر کسی از ایشان رسول و مصلح باشد میانه مسلمانان و مشرکین منع رسالت

او نمایند، و اگر اعانت و امداد نمایند قبول دارند.

- پس اگر او را منع نمایند در سلک ظالمان باشند و نزد رسول الله عاصی بوده

باشند، و خلاف وصیت آنحضرت نموده باشند.

● این است شرط حضرت محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) با ملت

نصرانی، شرط نامه ای که بعد از وصیت [مذکوره] فرمود و مقرر نمود آن حضرت با

ایشان در دین و آیین آن جماعت امری چند که اهل ذمه بر ذمه خود واجب دانسته،

و تخلف از آن جائز ندارند و وفا به عهد خود نمایند.

- یکی آنکه معاونت مشرکین اهل حرب آشکارا و پنهان ننمایند.
- و دشمنان مسلمانان را در خانه خود راه ندهند که در محل فرصت به اهل اسلام دست یابند.
- و اهل حرب را در خانه و صومعه خود فرود نیاورند.
- و اهل حرب را امداد و یاری ننمایند به سلاح تیر و شمشیر و اسب و غیره.
- و طریق کید مشرکین را یاد ندهند.
- و مال خود را امانت به ایشان نسپرند.
- حاجت خود را نزد اهل حرب نبرند.
- و به زبان و دست، امداد اهل حرب ننمایند.
- و ضیافت اهل حرب نکنند مگر در بلادی که تقیه لازم باشد.
- اگر مسلمانی در حوالی ایشان واقع شود تا سه روز و سه شب رعایت او را بر خود لازم دانند و زیاده لازم نیست.
- و آزار و مکروه اهل شر را از مسلمانان دور گردانند.
- و اگر احتیاج افتد پنهان کردن یکی از مسلمانان در منازل و اوطان و عمارت خود او را جای دهند و موااسات نمایند؛ و در معاش و غیره - مادام که پنهان باشد - تغافل جائز ندانند.
- و فرزندان و ازواج مسلمانان به دشمنان دین ننمایند و نشان ندهند و از فرموده درنگذرند.
- پس کسی که از اهل ذمه که در امری از این امور، تهاون و تقصیر نماید شرط عهد را باطل کرده، پس بیزار است از او خدای (تعالی)، و رسول [خدا] با او خصمی خواهد نمود.
- باید وفاء به عهد و شرط را بر خود لازم و واجب شمرد تا روزی که خدای (تعالی) خواسته باشد.
- و شاهد است به این عهدنامه، این خط که [در میان] رهبانان و رؤسای [ایشان] از [حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)] نوشت و شرط نامه در میان مانده، و الله اعلم و أحکم.

حسب الفرموده حضرت رسول خدا (صلى الله عليه و آله) نوشت این عهدنامه را در روز دوشنبه چهار ماه گذشته از سال چهارم هجرت. این است شهادت (سبحانه و تعالی) به آنچه در این کتاب است «من تبدل منها فعليه لعنة الله».
 مربی و معلم ارامنه دارالسلطنة تبریز؛ العبد المدنب الجانی محمد علی التبریزی
 فی شهر شعبان ۱۰۹۶ [۲۷۲]

○ نستعلیق خوش محمد علی تبریزی در شعبان ۱۰۹۶ هـ ق، نوشته‌ها در شش صفحه و با کاغذهای سفید در ده صفحه، قطع رحلی، ده سطری، جلد کالینگور.
 ○ نسخه ما با نسخه‌ای که در جریده فرهنگ اصفهان (شماره ۹۸ - جمادی الآخر ۱۲۹۸ هـ ق) در صفحه ۲ و ۳ و ۴ سه ستونی به چاپ رسیده است دارای تفاوتی است.

در همین شماره جریده «فرهنگ اصفهان» آمده است:
 «ترجمه عهدنامه حضرت ختمی مآب (صلوات الله علیه و آله الأطیاب) که فیما بین خود و امت نصاری منعقد فرموده است. چون در روزنامه‌های مصر و غیره، صورت عهدنامه را بعربی نوشته و بعضی عبارات مغلوپ در آن ملاحظه شد؛ لهذا نسخه صحیح آنرا تحصیل کرده و ترجمه آنرا برای فارسی زبانان در اینجا درج نمودیم. چون این نسخه امضای صحابه کبار را نداشت و در نسخه‌های امضای آنها نیز ملحوظ! افتاد لهذا صورت امضای صحابه را نیز از روزنامه‌های «الکواکب المصریة و العصر الجدید) باین ترجمه افزودیم».

در جریده یاد شده (صفحه ۴) راجع به امضای صحابه آمده است:
 «صورت امضای خلفاء و صحابه کبار که از روزنامه‌های خارجه نقل می شود»:
 «شهادت میدهند بر این مکتوبی که محمد رسول الله برای نصاری نوشته و با آنها مشروطاً قرار داده و عهد بسته است:

ابوبکر صدیق، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، معاویه بن ابی سفیان!؟، ابودر داء، ابوذر، ابوبرده، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس [در سال چهارم هجری ابن عباس کودکی بیش نبوده است!] حمزة بن عبدالمطلب، فضیل بن عباس، زبیر بن عوام، طلحة بن عبدالله سعد بن معاذ، سعد بن عباد،

ثابت بن قیس، یزید بن ثابت، عبدالله بن یزید، سهل بن بیضاء، عثمان بن مظعون، دؤدبن جبیر، ابوالعالیه، عبدالله بن عمر القاضی، ابو حذیفه، ابن عیر، ابن ربیع، عمار بن یاسر، هاشم بن عصبه، حسن [حسان] بن ثابت، کعب بن کعب، کعب بن مالک، جعفر بن ابی طالب (رضوان الله علیهم)؟! نوشت این عهدنامه را معاویه بن ابی سفیان؟! به املاء رسول خدا روز دوشنبه آخر ماه چهارم از سال چهارم هجرت به مدینه (علی صاحبها أفضل السلام) و کفی بالله شهیداً علیّ فی هذا الكتاب، و الحمد لله رب العالمین.

این عهدنامه از جهاتی ساختگی به نظر می‌رسد که ان شاء الله در جای خود بازگو خواهد شد.

کتابخانه ملی ارمنستان

روز شنبه ۱۳۷۵/۱/۱۱ هـ ش در معیت یکی از اعضاء سفارت ج.ا. ایران و آقایان عبدالله ناصری طاهری و دکتر نعلبندیان که به زبان فارسی و ارمنی و نیز زبانهای دیگر می‌توانست به خوبی مکالمه نماید به دیدار کتابخانه ملی ارمنستان توفیق یافتیم.

کتابخانه مذکور - که در ایروان تأسیس شده - دارای شش میلیون و دوست و ده هزار مجلد کتاب به زبانهای روسی و ارمنی و اروپایی و احیاناً شرقی است و دوازده تالار مطالعه دارد.

این کتابخانه در ۱۸۳۲ م تأسیس شده، و در آغاز امر فقط هیجده هزار مجلد کتاب داشت که در کنار آموزشگاهی بنیاد شده بود، و سپس به تدریج از طریق اهداء کتب و نیز لزوم ارسال کتبی که در جمهوری شوروی سابق به چاپ می‌رسید و باید به کتابخانه‌های ملی اهداء و ارسال می‌شد از سال ۱۹۱۹ م بر شمار کتابها افزوده شد و به شماری رسید که از مرز شش میلیون مجلد فراتر می‌رود؟!!

این کتابخانه دارای انجیلی به زبان روسی است که در ۱۸۸۳ م به طبع رسیده است، و نیز کتب ادعیه‌ای می‌باشد که چاپ آن به سال ۱۸۰۶ م می‌پیوندد. قدیمترین کتاب چاپی در این کتابخانه کتابی است که در سال ۱۵۱۲ م به طبع

رسیده است.

قبل از فروپاشی شوروی، فهرست نام و مشخصات کتابها چاپ می شد؛ لکن هم اکنون به صورت دستنوشته فراهم می آید؛ چون ارمنستان گرفتار کمبود برق و کاغذ و وسائل لازم برای امر چاپ می باشد.

این گزارشها توسط خانم گوستکیان، معاون کتابخانه در اختیار ما قرار می گرفت؛ سرانجام طی مدت کوتاهی که در پیش داشتیم سراغ بخش مربوط به کتب چاپی فارسی را گرفتیم. در این بخش فردی که به زبان فارسی آشنایی داشت سرگرم تهیه فهرست برای آنها بود و در میان کتب یاد شده کتابهای چاپ سنگی نادر و ارزشمندی جلب نظر می کرد که نمونه های آنها در ج.ا. ایران کمیاب می نماید. کتابهای این کتابخانه به روش دیوئی نگاهداری و رده بندی شده است، و روش کنگره را تاکنون به کار نگرفته اند.

سرانجام دیداری کوتاه با آقای گئورگ ترواطیان رئیس کتابخانه ملی داشتیم و راجع به مبادله کتاب، با نامبرده گفتگویی را در میان گذاشتیم و حتی نوید دادیم پاره ای از کتب فارسی به این کتابخانه ان شاء الله اهداء خواهد شد.

شرکت در مراسم جشن نوروز

علاقه مندان به زبان فارسی در ارمنستان، مراسمی را به عنوان جشن نوروز بر پا کرده بودند که به علت ضیق مجال نتوانستیم در همه مجالسی که مربوط به این مراسم می شد شرکت کنیم.

در یکی از مراسمی که به همین مناسبت دائر شده بود شرکت کردیم. کودکان در سنین پایین در این مراسم برنامه هایی را با خواندن سرود و اشعار و نیز نمایش - که همگی به زبان فارسی برگزار شده بود - اجراء کردند که بسیار جالب می نمود و می گفتند متجاوز از پانصد کودک ارمنی که احیاناً والدین آنها به زبان فارسی آشنایی ندارند بسیار خوب به زبان فارسی تکلم کرده و کتابها و نوشته های فارسی را می توانند بخوانند.

پس از پایان این مراسم جلسه کوچکتري در یکی از اتاقهای مدرسه ای که جشن

مراسم عید نوروز در آنجا برگزار شده بود تشکیل شد که مدیر این مدرسه و کارکنان مدرسه و تنی چند از کارکنان سفارت نیز در آنجا حضور داشتند و از اینکه در ترویج زبان فارسی در ارمنستان کوششهایی مبذول می‌گردد تقدیر به عمل آمد. نمایش این کودکان که با زبان شیرین فارسی ارائه شده بود: (شنل قرمزی) و نیز اشعار و سخنانی که به زبان فارسی بیان می‌شد و ضمن آن یاد کرد سابقه تاریخی جشن نوروز که توسط همین کودکان انجام گرفت انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد که در چنین دیاری به دور از جمهوری اسلامی ایران اینهمه عنایت به این زبان و ترویج و رونق بخشیدن آن مبذول می‌گردد، و شایسته می‌نمود تقدیر و تشویقی در خور در این زمینه به عمل آید؛ چنانکه از سوی سفارت ج.ا. ایران در ایروان از چنان تقدیری دریغ نمی‌شود؛ اما سزااست که بیش از حد معمول، مراقبت و رعایت در این باره انجام گیرد تا این زبان به سان گذشته عرصه گسترده‌تری در این سرزمین برای خود بیابد.

مسجد کبود در ایروان

مسجدی را در محیطی مخروبه دیدار کردیم که بسیار کهنه و قدیمی بود و نتوانستیم بر سابقه بناء این مسجد آگاهیهای لازم را کسب کنیم. این مسجد که در واقع هم مسجد و هم حوزه علمیه به نظر می‌رسید در سه بخش از محیط خود دارای حجره‌هایی بود که طلاب علوم دینی در آن به سر می‌بردند، و فعلاً دارای یک مناره و شبستان وسیعی است که با توجه به پایه مناره دیگر، به نظر می‌رسید که قبلاً به سان مسجد شیعیان دارای دو مناره مقابل هم بوده است؛ لکن یکی از مناره را برانداختند یا به علت زلزله و یا عوامل دیگر ویران گردید.

تاریخ ۱۳۰۵ هـ ق بر ذیل کاشی کاری ایوان مسجد نشان می‌داد که این مسجد در حدود ۱۱۰ سال قبل بازسازی و مرمت شده بود. در دوران حکومت شوروی سابق خواستند این مسجد را به صورت کلوپ کمونیستها درآورند اما این کار عملی نشد، و یا می‌خواستند به منظور کور کردن این مسجد، در پیرامون آن هتل بسازند؛ و

بالاخره انواع و اقسام نقشه‌ها برای آنکه این مسجد به دست فراموشی سپرده شود و یا به کلی ویران گردد در سر می‌پروراندند؛ لکن اسقف قبلی ارمنستان از اینگونه کارها ممانعت به عمل آورد و هیچیک از آنها به اجراء درنیاید.

متأسفانه محیط بیرون مسجد و هم چنین درون و صحن حیاط آن دارای وضع اسف آوری است؛ محیط بیرون مسجد را ساختمانهایی کهنه و فرسوده و کثیف و راهروهایی دیگر احاطه کرده که رغبت و تمایل ورودِ بدان را از افراد سلب می‌کند، و فضای درونی مسجد نیز از این نظر وضعی بدانسان دارد که انسان از بیرون و درون آن فسرده خاطر می‌گردد.

اسلام زدایی شوروی سابق به چنین وضع اسف آوری منجر گردید و عناد و دشمنی با دین و به ویژه با دین مقدس اسلام سبب گردید که محیط ارمنستان از مسلمانانی که در آن می‌زیستند تخلیه گردد و یا با شستشوی مغزی آنان نتوان مسلمانان و یا مسلمانی را در ایروان سراغ کرد. ای بسا مسجدها و حوزه‌ها که در این دیار ویران گردیده که ما از آنها اطلاعی نداریم. وجود همین مسجدی که باید آنرا حوزه علمیه دینی دانست نشان می‌دهد گروه قابل توجهی از مسلمین در ارمنستان زندگانی می‌کردند؛ ولی همه آنها تار و مار شده و یا اعتقاداتشان را به این آیین مقدس از آنها در ربودند. گویند مجموعاً در ارمنستان پنجاه هزار تن گُرد زندگانی می‌کنند که از دیرباز مسلمان بوده‌اند؛ اما هم اکنون مدهی هستند که از «مکتب شیطانی» پیروی می‌کنند و شیطانی هستند، و با زبان ویژه خود برنامه خاصی را در رادیوی ارمنستان به عهده دارند، و رسماً از دین اسلام تبری می‌جویند. در سراسر ارمنستان چنانکه به ما گزارش شد بیش از پنجاه تن مسلمان وجود ندارد.

به هر حال باید به داد این مسجد رسید و آنرا به هر وسیله‌ای از این حال رقت بار بیرون آورد، و گذشته مسلمین را در این دیار تجدید کرد. این کار در مرحله نخست از راه ترویج زبان فارسی و توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی میسر است تا مسلمانان رانده شده از آن به مأمنی مطمئن در این سرزمین بازگردند؛ و یا آیین اسلامی، رونق گذشته خود را از رهگذر طُرُقی که یاد شد به دست آورد. با توجه به کثرت رفت و آمد ارمنی‌های ایرانی از ایران به ارمنستان و صیانت از فرهنگ ایرانی در این دیار،

امکان دستیابی به هدفی که مد نظر می‌باشد بعید نمی‌نماید.

دیدار با اسقف گارگین اول، رئیس آرامنه جهان

اسقف گارگین که علاوه بر مقام رهبری آرامنه جهان رئیس کلیسای اوچمیازین در اوچ کلیسا است سالخورده مردی است که بیش از هفتاد سال عمر را پشت سر نهاده و بسیار شاداب و سالم و تندرست به نظر می‌رسد که در ۱۹۱۶ م به ایران آمد و در ۱۹۷۰ م به عنوان خلیفه گری در جلفای اصفهان به سر می‌برد.

در یکی از روزهای بارانی همراه سفیر محترم ج.ا. ایران در ارمنستان جناب آقای نیک کار (ایده الله تعالی) و جناب آقای پیری مسؤل فرهنگی سفارت و شهبازیان که ایرانی ارمنی و آشنا به زبان فارسی بوده در معیت فاضل ارجمند جناب آقای ناصری طاهری به دیدار آقای گارگین رفتیم. در محیطی که حوزه علمیه و دانشگاه دینی ارمنی‌ها به نظر می‌رسد و طلاب علوم دینی ارمنی در آن تحصیل می‌کردند و این طلاب لباس متناسبی با طلبگی در برداشتند. محوطه وسیعی محل اقامت آقای گارگین و مدرسه را تشکیل می‌داد که بس آبرومند می‌نمود و کلیسای معروف جهان آرامنه را نیز در کنار خود داشت.

آقای گارگین به گرمی از ما استقبال کردند و ما نیز هدف سفر خود را به اطلاع ایشان رساندیم. و از اینکه در ارمنستان آثار نسبتاً نفیسی از نسخه‌های خطی اسلامی وجود دارد و توانستیم اطلاعاتی اجمالی از آنها به دست آوریم از همه متصدیانی که با ما در این رهگذر همیاری کردند سپاسگزاری نمودیم؛ آنگاه به سوابق دیرینه روابط فرهنگی و اقتصادی ارمنستان و ج.ا. ایران اشارتی داشتیم که سزااست این روابط از این پس که دین و آیین خدا در ایران و ارمنستان از اختناق رهیده است هر چه بیشتر گسترش یابد به خصوص که هم میهنان ارمنی و پیشوایان آنها در ایران در جهت همیاری با انقلاب اسلامی و نیز در جنگ تحمیلی عراق به هیچوجه دریغ نکردند، و شهدایی که از ارمنی‌های ایران در این جنگ شرکت داشتند شمار قابل توجهی را تشکیل می‌دهند، و تفاهم مسلمانان ایران و ارمنی‌های مقیم ایران در حدی است که آنها نیز به سان مسلمین از حقوق و مزایای

مورد نظر برخوردار بوده و همانند مسلمین زیر چتر حمایت حکومت اسلامی از مصونیت و امنیت بهره‌مندند و حکومت اسلامی ایران دربارهٔ ارمنی‌های ایرانی همان حقوق و مزایایی را معمول می‌دارد که دربارهٔ هموطنان مسلمان ایرانی رعایت می‌کند. اسقف گارگین ضمن آنکه از حسن برخورد جمهوری اسلامی ایران با اقلیت ارمنه اظهار رضا و خرسندی می‌کرد با علاقه درخواست می‌نمود باید روابط این دو کشور بیش از پیش گسترش یابد. سرانجام با صحبت‌هایی که میان ما مبادله شد بر سبیل مزاح که حقیقتی جدی را در بطن خود داشت به ایشان گفتم باید گفت «واو» ایروان در ایروان، زائد است، چنانکه ایران فاقد «واو» ایروان می‌باشد. یعنی ایران، ایروان؛ و ایروان، ایران است.

احساس کردیم این ملاقات و دیدار بسی سودمند بوده و نظرهای اسقف گارگین بیش از پیش به سوی ج.ا. ایران جذب شده و تعلق خاطری به کشور عزیزمان در دل او پدید آمده است، ضمناً اشارتی به مسجد کبود رفت که برای اعانت و همیاری در جهت بهبود وضع این مسجد اهتمام لازم را مبذول دارند.

پس از آنکه دریافتیم که اهداف مورد نظر ما با این ملاقات مطرح گردید و نویدهایی را در پی داشته به سوی کلیسا روان شدیم کلیسایی که بر روی آتشکده‌ای بنا شده بود که سابقه این آتشکده به قرن پنجم قبل از میلاد؟ می‌رسید، و پیشینهٔ طراحی بناء این کلیسا را می‌توان تا سال ۳۰۰ میلادی سراغ کرد. لوسترهای مربوط به دوران سلطنت شاه عباس و نیز فرشهای ایرانی در این کلیسا جلب نظر می‌نمود و انواع و اقسام اشیاء عتیقه اعم از اناجیل و عصا و جز آنها در آن فراوان دیده می‌شد. از خود آتشکده که دست نخورده می‌نمود در زیرزمین کلیسا دیداری داشتیم.

باری، سفر ما رو به پایان بود و می‌باید ارمنستان را ترک می‌گفتیم. آقای دکتر پاپازیان مسؤؤل بخش خطی مرکز «ماتناداران» از ما دعوت کرد با سن آروشاطیان، رئیس «ماتناداران» به منظور تمهید زمینهٔ قرارداد رسمی برای تدوین فهرست نسخه‌های خطی اسلامی دیداری داشته باشیم. در دفتر ایشان کنار هم نشستیم و ضمن پوزشخواهی از اینکه در تسلیم نسخه‌های خطی ملاحظه می‌شد با اصرار فراوانی انعقاد این قرارداد را به طور رسمی پیشنهاد کردند، و ما نیز کمابیش از

این پیشنهاد با احتیاط لازم استقبال کردیم، و یادآور شدیم در صورت عقد این قرار داد توسط وزارت خارجه دو کشور و یا با سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، می باید دسترسی ما به نسخه های خطی به گونه ای باشد که فرصت ما به هدر نرود و در کنار مخزن، محلی را در نظر گیرند که تسلیم و استرداد نسخ - که تاکنون بسیاری از فرصت های ما را تلف کرده است - از آن پس با چنان تشریفات فرساینده معمول نگردد. پیشنهاد ما پذیرفته شد، و از آن پس نمی دانم تاکنون چه اقداماتی رسمی از سوی وزارت خارجه دو جمهوری در این زمینه به عمل آمد.

به هر صورت باید از همه عزیزانی که طی اقامت کوتاه ما در ارمنستان صمیمانه و جدی به ما در کسب اطلاعات لازم راجع به مخطوطات و ملاقاتها و دیدارها مدد رساندند رسماً تشکر و تقدیر شود، چرا که طی این مدت کوتاه توانستیم اطلاعات نسبتاً گسترده ای را در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و به ویژه در زمینه های فرهنگی به دست آوریم.

هر چند نام و نشان همه این عزیزان را به خاطر ندارم، آنانکه به خاطر می رسند از همه آنها به خاطر حمایت های بی دریغشان و راهنماییها و همکاریهای جدی شان به سهم خویش تشکر می نمایم.

از سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای نیک کار و آقایان پیری و زینعلی و فیروزمند و سایر کارکنان سفارت و رانندگان خونگرم و وظیفه شناس و نیز آقای دکتر نعلبندیان استاد محترم دانشگاه ایروان و محقق پرکار و نستوه، و آقای شهبازیان و همه کارکنان سفارت، مراتب تشکر و تقدیر خود را تقدیم می دارم و از خداوند متعال توفیقات روز افزون همه آنها را در خدمت به انقلاب اسلامی ایران درخواست می نمایم و امیدوارم حضرت باری (تعالی) سایه وجود پر برکت مقام معظم رهبری را بر سر مسلمین و مستضعفان جهان مستدام بدارد.

نیز بر ذمت خویش می دانم مراتب تشکر و سپاس خود را حضور فاضل گرامی و محقق ارجمند آقای محمد حسین علیمحمدی سرپرست محترم سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی که مقدمات این سفر و رحله علمی را فراهم آوردند تقدیم نمایم عنایت ایشان به تحقیقات علمی، درخور سپاس است و نوشتاری که مورد

مطالعه عزیزان قرار می‌گیرد نیز در گرو اهتمام ایشان در تمهید این سفر و مذاکرات قبلی با مقامات می‌باشد.